



# دعاوی وقف

در رویه دادگاهها

گروه پژوهشی

انتشارات چراغ دانش



## فهرست کلی

مقدمه	۹
معرفی دعاوی وقف و نمونه دادخواست	۱۱
دعای وقف در آرای دیوان عالی کشور	۳۱
دعای وقف در آرای دادگاه ها	۲۴۷
دعای وقف در نشست های قضائی	۲۶۷
دعای وقف در نظریه های مشورتی	۲۹۷
دعای وقف در قوانین و مقررات	۳۰۹
منابع و مأخذ	۳۵۳

## فهرست جزئی

مقدمه	۹
معرفی دعاوی وقف و نمونه دادخواست	۱۱
مبحث اول: شخصیت حقوقی وقف	۱۴
مبحث دوم: ارکان و شرایط عقد وقف	۱۶
مبحث سوم: اقسام وقف	۲۴
مبحث چهارم: دعاوی وقف و تشریفات آن	۲۵
ب) نحوه طرح دعاوی الزام به تحویل و تسلیم مبیع	۲۸
دعای وقف در آرای دیوان عالی کشور	۳۱
مبحث اول - آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور	۳۳
۱. تصرف به عنوان وقفیت	۳۳
۲. اجازه فروش مال موقوف	۳۴
۳. اثبات وقفیت	۳۴
۴. تصرف به عنوان وقفیت یا مالکیت	۳۷
۵. مفهوم و گستره عبارت نسل بعد نسل	۴۰
۶. شرایط و اوصاف تعیین متولی	۴۳
۷. رسیدگی به دعاوی وقف	۴۶
مبحث اول: آرای اصراری دیوان عالی کشور	۵۱
۱. اصل عدم وقفیت و لزوم اثبات وقف	۵۱

۵۹.....	۲. گورستان‌های متروکه موقوفه .....
۶۹.....	۳. تصرفات به‌عنوان وقف دلیل بر وقفیت .....
۷۶.....	۴. عدم اختیار واقف به تغییر موضوع وقف و اخراج موقوف علیهم.....
۸۷.....	۵. قابلیت مشاعی بودن وقف.....
۹۷.....	۶. ابطال وقف نامه و تعیین ثلث متوفی.....
۱۰۴.....	۷. اثبات وقفیت با ارائه دلیل کافی.....
۱۲۲.....	۸. قابلیت اعتراض به ثبت به دلیل عدم اثبات وقفیت.....
۱۳۸.....	۹. تقاضای ثبت و اظهارنامه ثبتی نسبت به املاک موقوفه.....
۱۵۴.....	۱۰. دعوای وقف و تصرف به‌عنوان مالکیت.....
۱۶۲.....	۱۱. دعوای عدم وقفیت و ابطال سند مالکیت.....
۱۶۸.....	۱۲. فروش مال موقوفه به عنوان ملک مطلق.....
۱۷۸.....	۱۳. احراز وقفیت پس از وصیت‌نامه.....
۱۸۷.....	۱۴. فروش مال موقوفه بدون مجوز شرعی.....
۱۸۹.....	۱۵. وقف عام قسمتی از ملک.....
۱۸۹.....	۱۶. اثبات وقف.....
۱۹۳.....	۱۷. اثبات عدم وقفیت.....
۱۹۵.....	۱۸. اثبات وقفیت به وسیله گواهی و شهادت.....
۱۹۷.....	۱۹. تقاضای ثبت مال موقوفه.....
۱۹۹.....	<b>مبحث دوم: آرای شعب دیوان عالی کشور .....</b>
۱۹۹.....	۱. موارد تشخیص وقف.....
۲۰۱.....	۲. تکذیب ادعای وقفیت.....
۲۰۴.....	۳. مطالبه پول زمین موقوفه‌های واقع در طرح.....
۲۰۵.....	۴. تصرف ملک وقفی توسط متولیان.....
۲۰۶.....	۵. دعوای درخواست تأیید و اعلام وقفیت.....
۲۰۸.....	۶. دعوای اثبات وقفیت و صدور سند به نام موقوفه.....
۲۱۰.....	۷. درخواست صدور حکم وقفیت.....
۲۱۴.....	۸. خلعید از ملک.....
۲۱۸.....	۹. قابل فرجام نبودن احکام راجع به تولیت.....
۲۲۰.....	۱۰. فرجام خواهی نسبت به دعوای راجع به موقوفه.....
۲۲۸.....	۱۱. اثبات موقوفه بودن ملک و الزام به ثبت آن.....
۲۳۱.....	۱۲. عدم صحت وقف غیر منجز.....
۲۳۴.....	۱۳. دلایل دادگاه بر وقفیت رقبه.....
۲۳۴.....	۱۴. مطالبه اصل وقفنامه از اداره اوقاف پس از تسلیم وقفنامه متولی به اداره اوقاف.....
۲۳۴.....	۱۵. درخواست ثبت عرصه به عنوان وقفیت.....

۲۳۵.....	۱۶. اقرار به وقفیت زمین.....
۲۳۵.....	۱۷. ادله اثبات وقفیت.....
۲۳۵.....	۱۸. اثبات فقدان اصل وقفنامه.....
۲۳۶.....	۱۹. ارشذیت و اصلحیت نداشتن وقفنامه.....
۲۳۶.....	۲۰. درخواست تخلیه طرف خواهان.....
۲۳۷.....	۲۱. اختلافات در تولیت.....
۲۳۷.....	۲۲. ادعای مستأجر بودن ملک وقف شده.....
۲۳۷.....	۲۳. مقصود از ماده ۳۷ قانون مدنی.....
۲۳۸.....	۲۴. ادامه تعقیب دادستان در صورت صلح طرفین دعوی وقف.....
۲۳۸.....	۲۵. تصرف به عنوان وقفیت.....
۲۳۸.....	۲۶. اقرار به وقفیت.....
۲۳۹.....	۲۷. دلیل نبودن صرف گواهی گواهان برای اثبات وقفیت.....
۲۳۹.....	۲۸. دلیل نبودن صرف تصرف، بر وقف بودن.....
۲۳۹.....	۲۹. وقف عام بودن، وقف مسجد.....
۲۳۹.....	۳۰. تصرف به عنوان وقفیت.....
۲۴۰.....	۳۱. صرف التزام و تعهد بر وقف کردن.....
۲۴۰.....	۳۲. میزان سهم در وقف.....
۲۴۱.....	۳۳. دلیل نبودن عمل به وقف برای اثبات وقف.....
۲۴۱.....	۳۴. دلایل مثبتة وقفیت.....
۲۴۱.....	۳۵. شهادت شهود جهت اثبات وقفیت.....
۲۴۲.....	۳۶. اختیارات متولی در تقسیم مال موقوفه.....
۲۴۲.....	۳۷. تشخیص عام یا خاص بودن وقف.....
۲۴۳.....	۳۸. ترتیب در تقسیم مال موقوفه.....
۲۴۳.....	۳۹. تولیت اولاد ذکور واقف بر اساس وقفنامه.....
۲۴۴.....	۴۰. مجهولالتولیه بودن موقوفه.....
۲۴۴.....	۴۱. حق اقامه دعوا از طرف اداره اوقاف در صورت عدم توجه به وقف در اجاره.....
۲۴۵.....	۴۲. وقف خاصبودن وقف به موقوف علیهم محصور.....
۲۴۷.....	<b>دعای وقف در آرای دادگاه ها .....</b>
۲۴۹.....	<b>مبحث اول: آرای دادگاه های بدوی و تجدیدنظر .....</b>
۲۴۹.....	۱. درخواست تنظیم سند اجاره در اراضی وقف شده.....
۲۵۰.....	۲. رد دعوی متولی راجع به خلع ید از موقوفه‌ای که هنوز به قبض داده نشده.....
۲۵۲.....	۳. عدم جواز اجاره عرصه موقوفه به کسی غیر از مالک اعیانی.....
۲۵۶.....	۴. دعوی انتقال و الزام به سند رسمی ملک جزئاً وقف شده.....
۲۵۸.....	۵. لزوم طرح دعوی علیه شخصیت حقوقی موقوفه.....

۲۶۰	۶. عدم امکان تغییر متولی توسط واقف.....
۲۶۲	<b>مبحث دوم: آرای دادگاه های انتظامی قضات</b> .....
۲۶۲	۱. اختلافات بر سر تولیت.....
۲۶۲	۲. رسیدگی به دعاوی راجع به وقفیت.....
۲۶۳	۳. تجاوز به حدود ملک مجاور موقوفه.....
۲۶۴	۴. انتخاب متولی در وقف عام و خاص.....
۲۶۵	۵. عنوان دعاوی راجع به وقفیت.....
۲۶۷	<b>دعاوی وقف در نشست های قضائی</b> .....
۲۶۹	۱. اجاره مال وقف شده.....
۲۷۰	۲. وقف تلفن.....
۲۷۰	۳. تقسیم ملک وقف شده.....
۲۷۱	۴. استماع دعاوی ابطال سند مالکیت.....
۲۷۲	۵. مرجع صالح برای رسیدگی به دعاوی وقف.....
۲۷۳	۶. مصادیق دعاوی حقوقی که کارآموزان وکالت قبل از اخذ پروانه، ممنوع از دخالت در آنها هستند.....
۲۷۴	۷. بحث و بررسی درخصوص بند (۷) ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی.....
۲۷۵	۸. طرح دعاوی فاقد اثر قانونی.....
۲۷۶	۹. تعیین تکلیف در صورت رد دعاوی اداره اوقاف در وقف خاص به لحاظ نداشتن سمت.....
۲۷۷	۱۰. تعیین متولی در وقف عام.....
۲۷۸	۱۱. خرابی عین موقوفه.....
۲۷۹	۱۲. وقف مراتع و جنگل ها.....
۲۸۰	۱۳. اخطار به مستأجرین موقوفه.....
۲۸۳	۱۴. موقوفه بودن زمین قبل از اعلام آن به عنوان منابع طبیعی و ملی.....
۲۸۴	۱۵. انتقال اموال موقوفه.....
۲۸۵	۱۶. داخل بودن اعیانی احدائی در وقف به لحاظ تجدید بنا و جلوگیری از خرابی آن.....
۲۸۶	۱۷. تعیین حد مرز بین وقف و وصیت.....
۲۸۷	۱۸. احداث بنا در ملک موقوفه.....
۲۸۸	۱۹. فروش یا واگذاری مال موقوفه به صورت اجاره.....
۲۹۰	۲۰. اجازه تقدیم دادخواست تخلیه از سوی مالک عرصه.....
۲۹۱	۲۱. دادخواست تخلیه ملک موقوفه.....
۲۹۲	۲۲. اجازه متولی وقف به ساخت در زمین موقوفه توسط مستأجر.....
۲۹۳	۲۳. اعلام موقوفه بودن قسمتی از ملک در جریان اجرای حکم.....
۲۹۷	<b>دعاوی وقف در نظریه های مشورتی</b> .....
۲۹۹	۱. هزینه دادرسی در دعاوی ادارات دولتی و دعاوی اوقافی.....
۳۰۰	۲. هزینه دادرسی در دعاوی اداره اوقاف.....

۳۰۲	..... تأثیر حکم مصادره اموال در موقوفه و تولیت واقف	۳
۳۰۲	..... اثبات وقف بودن	۴
۳۰۳	..... رفع تجاوز و جبران خسارات در املاک وقفی	۵
۳۰۴	..... طرح دعوی خلعی مستأجر مال وقفی	۶
۳۰۴	..... دعوی وقفیت ملک ثبت شده که مالکش فوت شده	۷
۳۰۴	..... غیر قابل فرجام بودن دعوی اماکن موقوفه	۸
۳۰۵	..... توقیف ملک موقوفه	۹
۳۰۵	..... صلاحیت رسیدگی به دعوی وقف	۱۰
۳۰۶	..... تقاضای ابطال وقفنامه	۱۱
۳۰۹	..... دعوی وقف در قوانین و مقررات	
۳۵۳	..... منابع و مأخذ	



## مقدمه

معمولاً رویه عملی دادگاه‌ها در استنباط از قوانین و مقررات در جهت انطباق با مصادیق واقعی تا حدودی با آنچه در کلاس‌های تئوریک دانشگاه‌ها به دانشجویان حقوق آموزش داده می‌شود متفاوت است البته روند آموزشی و طریق ارائه مطالب در کلاس‌های درسی هم به شکلی است که برای طی مراحل تحصیلی صرف مطالعه و پاسخ به سؤالات به‌صورت تئوری و بدون تطبیق با مصادیق عملی کفایت می‌کند. به این ترتیب معمولاً چون امکان انجام کار عملی حین تحصیل در دانشگاه برای دانشجویان این رشته وجود ندارد فارغ‌التحصیلان وقتی مشغول به کار می‌شوند با کمبود آگاهی و اطلاعات از رویه قضائی و شیوه استدلال و استنباط عملی دادگاه‌ها مواجه هستند؛ لیکن اهمیت آگاهی از رویه قضائی با اشتغال به کار و فعالیت بر هیچ فارغ‌التحصیل حقوقی پوشیده نیست. بی‌تردید تنها منبع آموزش عملی وکالت، قضاوت و به‌طور کلی رشته حقوق، قبل از حضور عملی در دادگاه‌ها و جلسات رسیدگی، رویه‌های قضائی می‌باشد؛ به عبارت دیگر، مطالعه تصمیمات، پرسش و پاسخ‌ها و اختلاف‌نظرهای کسانی که هر روز به‌صورت عملی در حال انطباق قوانین با مصادیق واقعی هستند می‌تواند اطلاعات کاربردی و عملی را در اختیار خوانندگان قرار دهد.

اگرچه فارغ‌التحصیلان حقوق بیش از سایرین به مطالعه رویه قضائی نیازمند هستند؛ اما هیچ قشری از جامعه بزرگ رشته حقوق قضائی بی‌نیاز از مطالعه و تحقیق و تفحص در این حوزه علمی نمی‌باشد؛ زیرا رویه قضائی در واقع محرک رشته حقوق است که دائم در حال تغییر و تحول می‌باشد و غفلت از این حوزه موجب عقب‌ماندگی از علم واقعی حقوق و جامعه حقوقدانان خواهد شد. از این رو ناشران تخصصی این حوزه، هرکدام به طریقی نسبت به جمع‌آوری و انسجام‌بخشی به مطالب و موضوعات راجع به رویه قضائی اقدام می‌کنند که انتشارات چراغ دانش نیز در همین راستا و برای انجام بخشی از وظایف فرهنگی خود در نظر دارد نسبت به تدوین و جمع‌بندی مطالب رویه قضائی به‌صورت منظم و منحصربه‌فرد با ویژگی‌های مخصوص برای هر دعوا طی یک کتاب جداگانه به‌صورت کاربردی و با دسترسی آسان به مطالب هر دعوا اقدام نماید لذا در راستای تأمین این هدف، مجموعه‌ای از کتاب‌ها تحت عنوان کلی «دعوی... در رویه دادگاه‌ها» که شامل موارد زیر است تدوین و تألیف خواهد شد:

۱. آراء وحدت رویه؛

۲. آرای اصراری؛





۳. آراء شعب دیوان عالی کشور؛

۴. آراء دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر؛

۵. نشست‌های قضائی؛

۶. نظریه‌های مشورتی؛

۷. قوانین و مقررات مرتبط با موضوع؛

۸. نمونه دادخواست و معرفی دعوا.

در این مجموعه سعی شده است رویه قضائی کشور در خصوص هر دعوا به صورت منسجم و منظم گردآوری شود تا وکلا، حقوقدانان و قضات محترم در مراجعه به رویه قضائی در کمترین زمان به بهترین وجه مطالب مطلوب خود را یافته و استفاده نمایند. با توجه به تعدد بسیار آراء دادگاه‌ها (دادگاه بدوی و تجدیدنظر) در برخی موارد حداکثر سعی بر آن بوده از موارد متفاوت آراء صادره در موضوع نمونه در قسمت رأی آورده شود و همچنین در سایر موارد؛ مثل آراء وحدت رویه، آراء دیوان عالی کشور، موارد مرتبط به موضوع ذکر شده است تا با توجه به اهمیت این آراء مورد استفاده خوانندگان و مراجعه‌کنندگان عزیز قرار گیرد.

مختصر ویژگی‌های کتاب:

۱. تدوین و گردآوری منظم و منسجم تمام مطالب مربوط به دعوا؛

۲. تقسیم‌بندی موضوعی برای هر کدام از مطالب؛

۳. ارائه معرفی دعوا و نمونه دادخواست در اول مجموعه؛

۴. ذکر عنوان برای هر مطلب به صورت خلاصه در فهرست؛

۵. دسترسی سهل و آسان به مطلب دلخواه در کمترین زمان.

«گروه پژوهشی» انتشارات مفتخر خواهد شد از تجربیات، آراء و سایر مطالب حقوقی موجود نزد اساتید، وکلا، حقوقدانان و سایر همکاران در راستای مفیدتر شدن مجموعه در چاپ‌های بعدی استفاده نماید. لذا موجب خرسندی خواهد بود که خوانندگان عزیز از هر صنف ضمن ارسال انتقادات و پیشنهادات خود در مورد هر کدام از موضوعات به صورت (کتبی یا از طریق ایمیل یا تلفنی) ما را در پربار کردن مجموعه حاضر یاری فرمایند.

مدیر مسئول انتشارات

یک هزار و سیصد و نود و شش

## فصل اول

### معرفی دعاوی وقف و نمونه دادخواست



## معرفی دعاوی وقف

**وقف** در لغت یعنی ایستاده ماندن و نگاه داشتن چیزی و در اصطلاح فقهی به آن تحبیس المال و تسبیل المنفعه می‌گویند که به معنای حبس عین مال و تسبیل منفعت آن است.

قانون مدنی در ماده ۵۵ عنوان می‌دارد که: «**وقف** عبارت است از اینکه عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود.»

مقصود از حبس عین و تسبیل منفعت در تعاریف فوق آن است که پس از وقوع عقد **وقف** عین مالی که مورد **وقف** قرار گرفته، مطلقاً دیگر امکان هیچ نوع نقل و انتقالی نخواهد داشت و مراد از تسبیل منفعت، صرف منفعت در راه خیر است.

در قرآن کریم آیه‌ای که صراحتاً دلالت بر **وقف** و احکام آن نماید وجود ندارد؛ ولی می‌توان با توجه به روح برخی از آیات و همچنین از باب اولویت در آیات مربوط به احسان و انفاق و قرض الحسنه و تعاون و صدقه یعنی آیات ۴۶ سوره کهف، ۹۲ سوره آل عمران، ۲۰ سوره مزمل، ۷۷ سوره بقره و همچنین احادیث و سیره پیامبر و ائمه معصومین (ع) به لزوم و جواز این عمل حکم کرد.

## مبحث اول: شخصیت حقوقی وقف

به دسته‌ای از افراد که منافع و فعالیت مشترک و یا به اموالی که به هدف خاصی اختصاص داده شده‌اند و قانون آن‌ها را طرف حق می‌شناسد و برای ایشان شخصیت مستقلی قائل است، عنوان «شخص حقوقی» اطلاق می‌شود و هرچند که این شخصیت اعتباری متمایز و مستقل از شخصیت اجزا و تشکیل‌دهندگان خود است؛ ولی کلیه اعمال مادی و حقوقی و اجرایی این شخص اعتباری، توسط اجزای آن که همان اشخاص طبیعی هستند واقع می‌شود، از این رو شخص حقوقی نمی‌تواند مابشرتاً اراده خود را اعمال کند ولی اجزا و مدیران آن مسئول و مباشر انجام این اراده هستند.

به همین سبب در ماده ۵۸۸ قانون تجارت می‌خوانیم که «شخص حقوقی موضوع هر حق و تکلیفی است جز آنچه که اختصاص به طبیعت انسان دارد» و یا در ماده ۵۸۹ قانون تجارت آمده که: «در تصمیمات شخص حقوقی به وسیله مقاماتی که به موجب قانون یا اساسنامه صلاحیت اتخاذ تصمیم دارند گرفته می‌شود.»

مهم‌ترین و معتبرترین مستند فقهی استقلال وقف، قاعده «الوقف علی حسب ما یقفها اهلها» است که از قواعد مسلم در فقه شیعه شمرده می‌شود، براساس این قاعده هیچ کس حق ندارد برخلاف نظر واقف دخالتی در وقف داشته باشد، اصل استقلال وقف و موقوفه به عنوان اصل اولیه مورد پذیرش اکثر علما و فقها قرار گرفته است.

همچنین در قانون مدنی و علم حقوق، شخصیت حقوقی وقف از مسلمات شمرده شده است و تعریف وقف در ماده ۵۵ قانون مدنی مؤید همین معناست، مضافاً اینکه در ماده ۳ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳ عنوان شده که هر موقوفه دارای شخصیت حقوقی است و متولی یا سازمان، حسب مورد نماینده آن می‌باشد. براساس این تعریف هر نوع موقوفه‌ای اعم از عام یا خاص دارای شخصیت حقوقی است، پس وقف عام به عنوان شخصیتی در حقوق عمومی و وقف خاص به عنوان شخصیتی در حقوق خصوصی تلقی می‌گردد و ضمناً تمام حقوق دانان در این نکته اتفاق نظر دارند که قوام شخص حقوقی به اعتبار قانونی آن است؛ زیرا آغاز حیات شخص حقوقی به موجب قانون و پایان عمر آن نیز به موجب قانون است.



مع الوصف با توجه به اینکه مهمترین مشخصه در شخص حقوقی اهلیت تملک است، هدف اساسی در اعتبار بسیاری از اشخاص حقوقی نیز دستیابی به همین امکان تملیک و تملک است.

بنابراین باید گفت در دعاوی مربوط به وقف شخصیت حقوقی موقوفه باید صریحا حسب مورد به عنوان خواهان یا خوانده قید گردد چرا که شخصیت حقوقی مستقلی دارد در صورت عدم قید و عدم اشاره کامل اسم موقوفه در دادخواست موجب رد دادخواست خواهد بود.